

# فرهنگ

افت و خیزهای تنظیم‌گری صوت و تصویر در فضای مجازی در یک میزگرد تخصصی بررسی شد

## «شبکه نمایش خانگی تنظیم‌گری یا تعطیلی»

افت و خیز تنظیم‌گری محتوای صوت و تصویری طی سال‌های اخیر به یکی از نیازمندی‌های جدی زیست بوم فرهنگی کشور تبدیل شده است، موضوعی که به عقیده کارشناسان همچنان سازکار قانونی و روند اجرایی آن محل سؤال است. به گزارش هفته‌نامه «ایران جمعه» سلسله نشست‌های شبکه نمایش خانگی با موضوع «شبکه نمایش خانگی، تنظیم‌گری یا تعطیلی» به همت دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت مطبوعات برگزار شد. شبکه نمایش خانگی در چند سال اخیر فراز و فرودهای زیادی داشت و حوادث زیادی از سرگذراند، اتفاقات زیادی در این فضا و شبکه نمایش خانگی افتاد، جایگاه تنظیم‌گر شبکه نمایش خانگی از صدا و سیما جمهوری اسلامی که پیش از این بود و در مؤسسه رسانه تصویری فعالیت می‌کرد، طی فرایندی به سازمان صدا و سیما، مشخصاً مجموعه ساترا منتقل شد. طی مدتی که ساترا وظیفه تنظیم‌گری در شبکه نمایش خانگی را برعهده داشته، باز هم اتفاقات زیادی رخ داده است، این وظیفه چالش‌هایی را برای این دوستان در این مجموعه ایجاد کرده که از آن طرف تعداد بازیگران این عرصه طی مدت کوتاهی چندبرابر شد و حداقل به صورت اسمی و در نهایت شاهد ورود شورای انقلاب فرهنگی در قانونگذاری در این باره شد. بدین ترتیب بخشی از این وظیفه هم در اختیار مجلس است که باید وظیفه خود را انجام دهد و کار شبکه نمایش خانگی را به سرانجام برساند، ولی در این بحث از همه مهم‌تر تنظیم‌گری این حوزه، الزامات و چالش‌های آن است. در این جلسه عبدالکریم خیامی استاد دانشگاه امام صادق (ع) و محمد صادق علیزاده سردبیر هفته‌نامه «ایران جمعه» به تبادلی نظر پرداخته و به سؤالات پاسخ گفتند که در این گزارش می‌خوانید.

**آقای دکتر خیامی الزامات تنظیم‌گری شبکه نمایش خانگی در چهار، پنج سال اخیر بیشتر به بحث ممیزی تقلیل پیدا کرده است، ممیزی گفتار، تصویر، نشان ندادن سیگار و مشابه آن. تنظیم‌گری در شبکه نمایش خانگی چنین مواردی است یا نه، موارد دیگری هم هست و باید مورد توجه قرار بگیرد؟**

**خیامی:** واقعیت این است که واژه تنظیم‌گری از عالم بازار و اقتصاد وارد عرصه‌های فرهنگ و رسانه و هنر و حتی سیاستگذاری و الی آخر شده و پیرو شکست نظریه بازار، نظریه تنظیم‌گری در دنیا متولد شد. در واقع به قرن ۱۹ و به واژه‌های شبیه چیزی که امروزه به کار می‌بریم، برمی‌گردد که ارکانی دارد. اضلاع یا ارکان تنظیم‌گری، یکی مقررات‌گذاری است که مهم‌ترین ارکان تنظیم‌گری در هر وادی است، می‌تواند تنظیم‌گر در عالم بازار باشد، رسانه باشد، در شهرداری باشد، ارکان مهم دیگری نیز وجود دارد مثل صدور و ابطال مجوز که کار دومش است، نظارت که کار سومش است، اما این موارد ارکان حوزه تنظیم‌گری هستند و منحصر در اینها نیست، فعالیت یک واحد تنظیم‌گر مطلوب شامل عناصر دیگری هم می‌شود، چون آموزش و حل اختلاف، به عبارتی ما اگر یک واحد تنظیم‌گر مطلوب داشته باشیم، اختلافات آن حوزه مستقیماً به دادگاه‌ها و قوه قضائیه یک کشور ارجاع داده نمی‌شود و ابتدا تلاش می‌شود در حوزه تنظیم‌گری حل شود؛ چون تخصصی‌تر و نزدیک‌تر به میدان است. یک فعالیت دیگر که جزو وظایف تنظیم‌گر است، تسهیل‌گر بودن، یعنی حمایت است. این حمایت ممکن است قانونی و حقوقی باشد، ممکن است مالی باشد و سایر موضوعاتی از این دست. مجموعه این فعالیت‌ها، ارکان آن سه مورد بود ولی مجموعه این فعالیت‌ها مثل آموزش، حل اختلاف و تنظیم روابط آن بازار، ممکن است بازار مطبوعات باشد، با سایر نهاد‌های حاکمیت (این مورد هم از وظایفش است) و سایر موارد چون تسهیلات و حمایت و... مجموعه این فعالیت‌ها را یک واحد تنظیم‌گر و فعالیت تنظیم‌گری گویند که اهداف آن هم معمولاً عبارت است از حفظ و حراست از منابع عمومی و همچنین منافع صاحبان کسب و کار آن میدان و منابع مصرف‌کنندگان

و مشتریان و در هر حوزه‌ای که باشد، حوزه ما مخاطبان و کاربران و... می‌شود.

**آقای علیزاده شما به عنوان یک فعال رسانه‌ای و کسی که در این مدت شبکه نمایش خانگی را رصد می‌کردید، فعالیت‌هایی که آقای دکتر در زمره وظایف یک تنظیم‌گر برشمرد را مشاهده کردید؟ کم‌وکاستی می‌بینید؟**

**علیزاده:** نه، منهای انتقاداتی که در رده میانی به سازکار اجرایی این موضوع برمی‌گردد که در ادامه به آن خواهم پرداخت، بیشتر به دلیل آشفتگی بالادستی که در این موضوع وجود دارد، رشحات این آشفتگی به رده‌های میانی هم نفوذ کرده و نم‌داده است. نه، این اتفاق نیفتاده است، به دلیل اینکه در بالادست هنوز تکلیف به صورت قطعی مشخص نشده، در بالادست منظور حاکمیت است.

**وضعیت حاکمیت مشخص است، چون به ساترا دادند.**

**علیزاده:** خیر، یک مرحله قبل تر از این هاست، چون بازیگران فعال میدانی، نه شئون ریش سفیدی برای ساترا قائل اند، نه شئون حرفه‌ای قائل اند و نه شئون قانونی. اینها خوب است یا بد، فعلاً کاری ندارم ولی شما نیم‌نگاهی به واقعیت میدان کنید و وضعیت را ببینید، مشخص می‌شود سازکاری که اسمش ساترا است، چه بپذیریم و چه نپذیریم و چه عملکردش را قابل قبول بدانیم یا نه، در حیطه اعمال وظایف خود که بخشی را آقای دکتر تشریح کردند نیاز به یکسری ساختارها و اختیارات و شئونی دارد، شأن و جایگاه لزوماً قانونی نیست.

الان آقای دکتر فرمودند که مثلاً حل اختلاف از شئون تنظیم‌گر است، ولی خب این چیزی که ما با آن روبه‌رو هستیم، اصلاً چنین شانی را ندارد، نه اینکه اختیارات قانونی را نداشته باشد، کنشگران میدان آن را به دلیلی قبول ندارند، این هم بخشی به دلیل همان کشمکش‌های بالادستی است. شما نقض و ایرادهای مدیریتی را به این قضیه اضافه کنید، ناپذیری‌ها و اقدامات آماتور مدیران، مثلاً حل اختلاف از شئون تنظیم‌گر است. تنظیم‌گر ما الان نامه به رئیس دستگاه اجرایی می‌دهد که یکی از کنشگران

میدان را فیلتر کنید. نامه آقای جبلی به رئیس جمهور سال ۱۴۰۰ بود یا ۱۴۰۱، من اصلاً کار ندارم اینها حق دارند یا نه، اینها نشان می‌دهد نکته اول: خود تنظیم‌گر ما شئون و اختیارات در این فضا ندارد که از مجاری دیگر بخواهد دنبال پاسبانی و پاسداری از منافع عموم باشند، نکته دوم اینکه خود این نهاد در مقام دستگاه قضا نشسته است. نفس فکر کردن به این اتفاقاتی که در این دو، سه سال اخیر رخ داده و کشمکش‌هایی که بین نهاد تنظیم‌گر و کنشگرهای میدانی افتاده نشان می‌دهد که ساختار، سازکار و اهرم‌های رگولاتوری، که از شئون قانونی و اختیارات قانونی این فضاست، مضاف بر شئون و اعتبار حرفه‌ای، فاقد این بازوی اجرایی رگولاتوری است، یعنی شما همین امروز بگویید ساترا اختیارات و اهرم‌های نیم‌بندی را که تا الان نداشته ندارد، آیا در آن حد از ریش سفیدی، خودمستولانش هستند که بتوانند بدون اعمال اختیارات قانونی، بخشی از مأموریت‌های خود را پیش ببرند؟ قطعاً این‌گونه نیست. مجموع اینها فضای آشفته‌ای را به وجود آورده که حاکمیت هم از آن ضربه می‌خورد. من به عنوان خبرنگار فرهنگی می‌دانم بخشی از سریال‌ها و تولیدات که در وی‌آیدی‌ها مشاهده می‌شود، به خاطر لایبی کشیدن پلتفرم‌هاست، یعنی بدون مجوز تولید ساترا را نداشت، رفته تولید کرده، چرا؟ چون می‌داند حرف مجوز پس‌فردا، بخواهد اقدامی هم کند، ضربه نفوذ ندارد. چه کسی ضربه می‌زند؟ چه کسی ضربه می‌خورد؟ حاکمیت است. ساترا، صدا و سیما و مجموعه ارشاد، اینها همه مجموعه حاکمیت است، از آن طرف هم، فضای میدان، فضای مناسبی نیست. آقای دکتر تأکید کردند یکی از وظایف و اختیارات، یکی از مأموریت‌های سازمان تنظیم‌گر، حفاظت و پاسبانی از منافع کاسبانی است که در آن فضا مشغول فعالیت‌اند، شما نگاهی به صدور مجوزها در سازمان ساترا در همین یکسال ببیند. ۴۲۰ مجوز، طبق آخرین اطلاعاتی که من داشتم اگر اضافه نشده باشد، چیز کمی نیست، یعنی شما به ازای هر مجوزی که صادر می‌کنید، جابرای کسانی که از قبل وارد این فضا شده و در حال فعالیت هستند، تک‌تر می‌شود. شما هر مجوز کسبی را هم بخواهید از اتحادیه صنفی بگیرید، اولین بررسی

که می‌کنند این است که ورود شما به آن فضا، اکوسیستم حیاط اقتصادی کسانی را که از قبل فعال هستند به هم نریزد، نکته دومی که بررسی می‌کنند این است که شما توان کنشگری میدانی در آن فضا و ایفا

کردن بنگاه اقتصادی را دارید یا نه؟ بررسی می‌کنند، چون من خودم این فرایندها را یکبار طی کرده‌ام و با جزئیات آشنا هستم، ولی شما ببینید، با اتفاقی که در فرایند صدور مجوزها در ساترا می‌افتد، این در کوتاه‌مدت شاید آقایان مدیر، با زست‌هایی مثل تسهیلگری در صدور مجوزها، بتوانند گزارش‌های مثبتی خلق کنند، اما در درازمدت، به ضرر این فضاست. یعنی خود همین کنشگرانی که در این فضا فعالیت می‌کنند هم حتماً آسیب خواهند دید، بماند که بحث دیگر منهای بحث اقتصادی از لحاظ تأمین محتوای فرهنگی این هاست. به هر حال اکوسیستم فرهنگ و هنر کشور، یک اکوسیستم محدود است. بدنه سینمایی کشور در نهایت ۸۰ فیلم سینمایی تولید می‌کند، پخش سریال را هم با کیفیت سریال‌های بالا بخواهیم در نظر بگیریم، طبق آمار خود سیمافیلیم، در تلویزیون سالی ۳۰، ۳۵ سریال می‌تواند تولید و پخش کند، این تمام ظرفیت اکوسیستم فرهنگ و هنر کشور است، شما حساب کنید ما ۴۲۰-۴۰۰ سکو و پلتفرم داریم که برای فعالیت در حوزه صوت و تصویر در حوزه مجازی مجوز گرفته‌اند، اولاً این توانی که بیان شد، مجموع توان سینما و تلویزیون ایران بود، همه این پلتفرم‌ها که این توان را ندارند. چه اتفاقی می‌افتد؟ شما مجبوری ناخودآگاه، دریچه‌ای را به فضای سرگرمی برای واردات باز کنید، یعنی همان اتفاقی که به صورت طبیعی در پلتفرم‌ها در حال افتادن است. یعنی این کالا را بخواهیم وارد کشور کنیم، تعرفه‌ای برایش می‌بندیم. الان در حوزه واردات محتوای صوت و تصویر که تحت صدور مجوز ساترا هم اتفاق می‌افتد، هر کدام از این پلتفرم‌ها، چون همه هم توانایی فیلم و سریال را ندارند، درگاه‌های ارائه محتوای غیربومی را تحت فرایند حاکمیتی افزایش می‌دهند. این به ضرر منافع عمومی است و هم به ضرر حاکمیت و هم به ضرر اکوسیستم فرهنگ و هنر است. خواستم بگویم یک



**علیزاده:** بخشی از سریال‌ها و تولیدات که در وی‌آیدی‌ها مشاهده می‌شود، به خاطر لایبی کشیدن پلتفرم‌هاست، یعنی بدون مجوز قانونی. یعنی این مجوز تولید ساترا را نداشت، رفته تولید کرده، چرا؟ چون می‌داند حرف ساترا پس‌فردا، اگر بخواهد اقدامی هم کند، ضربه نفوذ ندارد. چه کسی ضربه می‌زند؟ چه کسی ضربه می‌خورد؟ حاکمیت است